

در این سرفصل همچنین می‌خوانید:

۵۰ آپارتاید آزاد؟

۵۱ مشتری پر و پا قرص

۵۱ بی‌خانمانان

۵۲ ژاپن در دام ین

۵۲ بی‌درد سر مسافرت کن!

۵۳ تحولات اقتصادی جهان

۵۴ تحولات سیاسی جهان

۵۴ طرح ماه



رقابت در رونق

معمای رشد

تئوری‌های جدید در مورد این که چرا اقتصادهای ثروتمند جهان عملکرد بهتری نسبت به آمریکا داشته‌اند، درست از آب در نمی‌آیند.

آمریکا همواره تعیین کننده جو اقتصادی جهان بوده است. این کشور بزرگترین اقتصاد دنیا را در دست داشته و تأثیر گرانترین بانک مرکزی جهان را در اختیار دارد و مهمترین ارز جهان در آن صادر می‌شود. اما به علت این که آسمان اقتصاد این کشور در ماه‌های گذشته ابری شده، برخی اقتصادهای ثروتمند جهانی (به ویژه آلمان) از این شرایط به خوبی بهره برده‌اند.

در روز ۲۷ اوت، وزارت بازرگانی آمریکا اعلام کرد که رشد محصول ناخالص داخلی (GDP) سه ماهه دوم این کشور به ۱/۶ درصد سقوط کرده است. این رقم در مقایسه با نرخ ۹ درصدی تأیید شده برای آلمان در روزهای پیش از آن بسیار ناامید کننده به نظر می‌رسد. از سوی دیگر، نرخ بیکاری آمریکا در ماه ژوئیه ۹/۵ درصد گزارش شد، در حالی که نرخ بیکاری آلمان حتی از زمان پیش از آغاز بحران جهانی کمتر شده است. در عین حال، دیگر اقتصادهای بزرگ جهان، از جمله بریتانیا و استرالیا از رشد بهتر GDP و نرخ بیکاری کمتری نسبت به آمریکا برخوردارند.

از تئوری تا واقعیت

برای توضیح این اختلاف‌های غیرطبیعی در میان کشورهای ثروتمند جهان، تئوری‌های رقابتی زیادی به وجود آمده‌اند که اختلاف در سیاست‌های مالی، نرخ‌های ارز و سطوح بدهی از آن جمله‌اند. البته بیشتر این تئوری‌ها دقیقاً با واقعیت جور در نمی‌آیند.

کنندگان آمریکایی آسیب شدیدی رساند. بر همین اساس، می‌توان علت اصلی رشد GDP آلمان را در سه ماهه دوم سال ناشی از تجارت بالای این کشور دانست؛ درست همان زمان که مشکلات تجاری وسیع آمریکا، اقتصاد این کشور را تضعیف کرد. همچنین پایین آمدن ارزش پوند انگلستان را می‌توان دلیل رشد اقتصادی دوباره این کشور دانست. این امر به همان اندازه‌ای اهمیت دارد که افزایش ارزش ناگهانی ین، نگرانی‌ها را در مورد اقتصاد ژاپن افزایش داد. بانک مرکزی ژاپن در روز ۳۰ اوت اعلام کرد در نظر دارد علاوه بر وام‌های سه ماهه به ارزش ۲۰ تریلیون ین که پیش از این وعده داده بود، وام‌های وثیقه‌دار شش ماهه به ارزش ۱۰ تریلیون ین با نرخ بهره ۰/۱ درصد اعطا کند تا به این ترتیب با جریان یافتن پول، هزینه‌های استقراض را پایین آورده و با توقف افزایش ارزش ین به صادر کنندگان خود کمک کند.

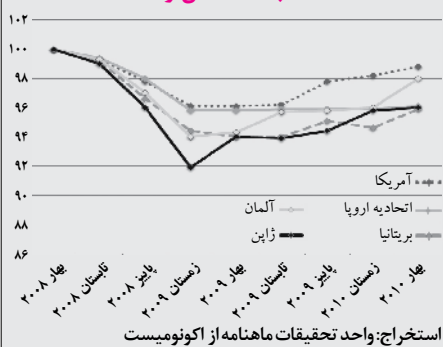
در این تئوری نیز اشکالاتی وجود دارد، چرا که اولاً ارزش ین به تازگی با افزایش مواجه شده و این عامل نمی‌تواند دلیل عدم رشد مناسب GDP ژاپن در سه ماهه دوم باشد. از سوی دیگر، در بریتانیا هم خالص صادرات طی این مدت تقریباً نقشی در رشد GDP نداشته است. در واقع باید گفت رشد صادرات آمریکا بسیار بیشتر از این کشور بوده است، اما افزایش ناگهانی حجم واردات، عامل ایجاد اختلاف تجاری

یکی از این تئوری‌ها می‌تواند این باشد که آلمان و به میزان کمتر بریتانیا، به دلیل حفظ دارایی‌های عمومی خود توانسته‌اند از این آزمون سربلند بیرون آیند؛ بدین صورت که با وعده مبارزه با کسری بودجه، عدم اطمینان مصرف کننده را کاهش داده و میل به مصرف را افزایش داده‌اند. اما برعکس، در آمریکا نگرانی در مورد بدهی‌های عمومی موجب شده است مؤسسات بازرگانی و مصرف کننده‌ها از خرج کردن پول‌های خود صرف نظر کنند.

این تئوری کمی ساده به نظر می‌رسد. طرح‌های معتبری که برای کاهش کسری بودجه ارائه شده‌اند، اگر چه می‌توانند به رشد میان مدت این کشور و جهان کمک کنند، اما بعید است بتوانند علل یک جهش ناگهانی را توضیح دهند، چرا که برنامه‌های بودجه بریتانیا و آلمان در روزهای پایانی سه ماهه دوم امسال اعلام شده‌اند و بنابراین نمی‌توانند توضیح دهنده دلایل رشد بالای GDP باشند. در واقع هر دو کشور در سه ماهه دوم، درگیر ابهامات مالی بودند. در بریتانیا به دلیل انتخابات و در آلمان به دلیل تعهد به حل مشکلات یونان و دیگر کشورها، درگیری‌هایی را شاهد بودیم. در عین حال، آثار رکود در یونان نشان می‌دهند که اولین تأثیر اقدامات سختگیرانه اقتصادی، کاهش رشد است.

شاید تئوری دیگری را بتوان در اقدامات ارزی صورت گرفته مطرح کرد. یکی از اثرات بحران منطقه یورو، کاهش ارزش یورو در مقابل دلار در ماه‌های ابتدایی سال ۲۰۱۰ بود که اگر چه به شرکت‌های آلمانی بسیار کمک کرد، اما به صادر

مسابقه شاخص رشد



قابل توجه در سه ماهه دوم شده است. از طرفی دیگر، در آلمان تقاضا برای خودروهای لوکس و کالاهای سرمایه‌ای تخصصی تحت تأثیر تغییرات نرخ ارز نبوده است. تئوری بعدی این طور بیان می‌کند که تأثیر بله‌می‌ها در زمان بحران، مصرف کنندگان را در کشورهایی که با جهش قیمت مسکن مواجه بوده‌اند دچار تردید می‌کند. اما بریتانیا ناقض این تئوری است. نرخ هزینه مصرف کننده در بریتانیا (و همچنین آمریکا) در سه ماهه دوم سال، مشابه با آلمان بود که مصرف کنندگانی صرفه‌جو دارد. از یک جنبه دیگر، نرخ بیکاری بریتانیا بسیار کمتر از دیگر کشورهای افزایش یافته که در آنها بله‌می‌های عظیم رهنی وجود داشته است. در آمریکا، ایرلند و اسپانیا فروپاشی بخش ساخت و ساز که بسیار اشتغالزا بود، صف بیکاران را بزرگ و بزرگتر کرده است. بریتانیا با جهش ناگهانی قیمت مسکن رویه‌رو شده، اما قوانین سختگیرانه و برنامه ریزی شده صنعت ساخت و ساز آن را محدود کرده و در نتیجه، شغل‌های کمتری در این بخش از بین رفته‌اند. در عین حال، به دلیل سقوط تجارت جهانی، رکود اقتصادی در ژاپن و آلمان بسیار شدیدتر از آمریکا بود. این مسأله آسیب زیادی به صنعت‌های صادراتی سرمایه‌بر - و نه صنایع کاربر - وارد کرده و در نهایت بیکاری گسترده‌ای به وجود نیامده است.

بدبینی‌های امسال

برخی کارشناسان تصور می‌کنند کندی سرعت دولت آمریکا در ایجاد شغل‌های جدید، بدبینی‌های بی‌دلیلی را در مورد چشم‌انداز دیگر کشورهای جهان به وجود آورده است. اما باید گفت سرعت رشد بازارهای نوظهوری همچون چین، تعادل حرکت اقتصاد جهان را حفظ می‌کند. آلمان هم به واسطه پیشرفت صادر کنندگان خود عملکرد خوبی دارد. بهترین توضیح برای الگوی ناهموار عملکرد کشورهای ثروتمند جهان، بسیار ساده است: رونق تا حد زیادی به اقتصاد آمریکا بازگشته و شرکت‌ها و مؤسسات، ذخایر خود را بازسازی کرده‌اند. دور تجاری اروپا یک یا دو فصل دیگر به آمریکا خواهد رسید. شاخص‌های اقتصادی اخیر نشان دهنده همگرایی‌های بیشتری میان کشورها است. شاخص تولید صنعتی آمریکا در ماه اوت افزایش یافته و به ۵۶/۳ رسیده است. این شاخص برای منطقه یورو و بریتانیا به ترتیب به ۵۵/۱ و ۵۴/۳ کاهش یافته است. اقتصاد آمریکا ممکن است با مشکلات منحصر به فردی رویه‌رو باشد، اما داری‌های این کشور هنوز به شدت وابسته به دیگر کشورهای ثروتمند جهان هستند. ■

تشکیل حکومت واحد یا دو کشوری فلسطین و اسرائیل

آپارتاید آزاد؟

شهروندان فلسطینی با بیش از ۳۵ قانون روبه‌رو هستند که با صراحت برای یهودیان در برابر آنان امتیازات ویژه قابل است.

جامعه بین‌الملل چندین دهه تصور کرده است

باختری حق ندارند از جاده‌هایی که برای ساکنان اسرائیلی

ساخته شده استفاده کنند و مردم غزه به دلیل محاصره اسرائیل که فرصت‌های آموزشی را محدود کرده و فقر را به بحرانی‌ترین حد ممکن رسانده، باید شاهد سرکوبی فکری و جسمی فرزندان‌شان باشند. آوارگان فلسطینی که از کشور خود گریخته‌اند، ۶۲ سال در دوری زندگی کرده‌اند و حقوقشان برای بازگشت به خانه‌هایشان



سرزمین فلسطین باید بین یهودی‌ها و فلسطینیان تقسیم شود. اما هیچ نتیجه‌ای در این سال‌ها حاصل نشده است، چرا که اسرائیل با اسکان نزدیک به ۵۰۰ هزار یهودی در شرق بیت‌المقدس و کرانه باختری و نادیده گرفتن حق تشکیل کشور فلسطین، مشکلات را بدتر کرده است.

در حال حاضر و در شرایطی

نادیده گرفته شده است، در حالی که یهودیان ساکن در هر جای دنیا به راحتی می‌توانند به اسرائیل مهاجرت کنند.

همزیستی به چه قیمتی؟

واضح است که مردم فلسطین و یهودیان اسرائیلی همچنان در کنار یکدیگر زندگی خواهند کرد. اما سؤالی که مطرح می‌شود آن است که این زندگی تحت چه شرایطی

که اسرائیل عملاً بر کل سرزمین سابق فلسطین حکومت می‌کند و در واقع حکومتی واحد به وجود آورده، یهودیان در این نظام سیاسی عملاً واحد، به تنهایی از حقوقی تمام و کمال برخوردارند. در مقابل، شهروندان فلسطینی در کنار سیاست‌هایی که عاملان آنها را منزوی کرده است، با بیش از ۳۵ قانون روبه‌رو هستند که با صراحت برای یهودیان در برابر آنان امتیازات ویژه قابل است. فلسطینیان مقیم کرانه

خواهد بود؟ مردم فلسطین بیش از این تبعیت دایمی از اسرائیل را نخواهند پذیرفت.

پاسخی که پرفسور برجسته آمریکایی-فلسطینی به این سؤال می‌دهد تشکیل دولتی یکپارچه، اما بر مبنای حقوق مساوی است، نه امتیازات قومی. جرج بشارت معتقد است اسرائیل و فلسطین باید دولت‌هایی سکولار و دو زبانه داشته باشند که بر اساس آرای فردی انتخاب شوند. وی همچنین به ضمانت‌های قانونی برای حفظ تساوی حقوق و حمایت از اقلیت‌ها در کنار تضمین‌های بین‌المللی، مهاجرت بر مبنای معیارهای غیرتبعیض‌آمیز، آزادی ازدواج بین اعضای اقوام یا گروه‌های مذهبی مختلف، آزادی شهروندان برای زندگی در هر نقطه از کشور و رسمیت نمادهای عمومی، آموزشی و تعطیلات رسمی تأکید دارد.

راهکار تشکیل حکومت واحد اگر چه کمی آرمانی است و نهایتاً در نظر گرفته نمی‌شود، اما می‌تواند بر بسیاری از موانع حل مشکل دو کشور غلبه کند. بر این اساس، هیچ گونه خط مرزی کشیده نمی‌شود و بیت‌المقدس تقسیم نمی‌گردد و یهودیان می‌توانند به زندگی خود در کرانه باختری ادامه دهند. به علاوه، با وجود یک کشور واحد، شرایط برای بازگشت آوارگان فلسطینی فراهم می‌شود. کشوری با حکومت یکپارچه که بر اساس اصول تساوی حقوق و شمول شکل گرفته باشد از نظر اخلاقی قابل قبول‌تر از دو حکومت متفاوت است که بر پایه ناسیونالیسم محدود قومی باشند. از این گذشته، چنین حکومتی با اصول ضد تبعیض‌آمیز قوانین بین‌المللی سازگاری بیشتری دارد. در این صورت، جوامع بین‌المللی که مدت‌ها اسرائیلی‌ها را طرد کرده‌اند آنها را خواهند پذیرفت و حتی مردم یهود می‌توانند از دوستی، تجارت و سفر به دنیای عرب برخوردار شوند.

مانع اصلی بر سر راه تشکیل دولت یکپارچه، این عقیده است که اسرائیل باید کشوری یهودی باشد. اما تاریخ نشان داده است که در یک جامعه چند قومیتی هیچ نوع امتیاز قومی نمی‌تواند دوام داشته باشد. باید گفت طرز فکر برخی مقامات اسرائیل، به ویژه در میان رهبران جناح راست در حال تغییر است. موشه آرنس، وزیر دفاع سابق رژیم صهیونیستی، اخیراً پیشنهاد کرده که اسرائیل کرانه باختری را ضمیمه خود کند و به ساکنان آن تبعیت بدهد.

اما در مورد پیوستن غزه به اسرائیل، هیچ کس هیچ حقی برای این رژیم قابل نیست. اسرائیلی‌ها هنوز رویای کشوری یهودی با اقلیت قاطع فلسطینی را در سر می‌پروراندند. به همین دلیل بهتر است آمریکا به دنبال چیزی فراتر از مدیریت درگیری اسرائیل-فلسطین از طریق برگزاری مذاکرات مستمر و بی‌نتیجه باشد. هر دو گروه با غلبه بر تبعیض‌های نژادی نهادینه شده می‌توانند پایه‌های جامعه‌ای چند فرهنگی و پویا را طرح ریزی کنند که بر اساس حقوق مساوی باشد. ■